

عنوان مقاله:

تعابیر شاعرانه معشوق در شعر رهی معیری

محل انتشار:

همایش ادبیات فارسی معاصر (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

رضا بهرامی تربتی - دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی

علیرضا عابدیان - عضو هیات علمی دانشگاه خیام

امیر الهامی - دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی

محدثه السادات رضایی کلاته میرحسن - کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. عضو گروه زبان و ادبیات دانشگاه خیام

خلاصه مقاله:

یکی از انواع ادبی در زبان فارسی به لحاظ محتوا ادبیات غنایی است مو ضوع اصلی آن عشق است که از دیر باز شاعران بسیاری به سرایش اشعار عاشقانه همت گماشتند مانند رودکی و فرخی و منوچهری و از شاعران معاصر افرادی مانند شهریار رهی معیری، فروغ فرخزاد را می توان نام برد در این نوع شعر به توصیف جلوه های ظاهری معشوق توجه بسیار شده است و همچنین به خلق و خوی و منش او هم پرداخته شده است در این مقاله به بررسی تعابیر شاعرانه در شعر رهی معیری پرداختیم تعابیر ی کهرهی در شعر برای معشوق به کار برده است در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد تعابیر و توصیفات است برای جلوه های ظاهری معشوق مانند چهره ، دهان و ... که با واژه هایی مانند گل و غنچه و سرو و حتی برای اندام معشوق از واژه سیمین استفاده شده است و این تعابیر و ترکیبات به صورت اضافی وصفی و وصفی مقلوب بیان شده است در تقسیم بندی دوم آنگونه از توصیفات که مربوط به رفتار و کردار معشوق می شود مانند آتشین خوی و برق عالم سوز و یا غزال شوخ چشم . البته در اینجا صنایع بدیعی که شاعر در شناساندن معشوق خود از آن ها استفاده کرده است تشبیه و استعاره می باشد و از بین واژه هایی که دست مایه توصیف رهی در اشعارش قرار گرفته است و دارای بسامد بالایی است واژه گل است و اقسام آن و بعد به ترتیب دیگر واژه ها مانند سرو و غنچه و غزال دیگر واژه ها.

کلمات کلیدی:

رهی معیری، ادبیات غنایی ، معشوق، تعابیر شاعرانه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/640899>

